

تلفن بازیافتی

یک تلفن بودم که
خوشحال و خندون بودم
ارتباط خونه با
دنیای بیرون بودم

وقتی منو برق گرفت
شدم غمگین و بدحال
چون فکر می کردم باید
برم تو سطل آشغال

اما مامان سارا
آهسته من رو برداشت
کنار ظرف و بطری
تو سطل بازیافت گذاشت

حالا اینو می دونم
خرابی ترس نداره
من بعد بازیافت دارم
تولد دوباره

عفت زینلی

زهره اقطاعی

